



رساله یهودا

The Epistle of Jude

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

February 1, 2008

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —



مقدمه

«رساله‌ای با چند خط ولی مملو از کلماتی مقتدر از فیض آسمانی.»

— اوريجن (Origen)

الف) جایگاه منحصر به فرد در میان کتب مقدس

چنانچه لوقا تاریخ مسیحیت را با اعمال رسولان آغاز می‌کند، یهودا نیز انتخاب شده بود تا کتاب یکی مانده به آخر عهد جدید را بنویسد که عنوان مناسب، «اعمال مرتدین» بر آن نهاده شده است. یهودا ترجیح می‌داد که راجع به ایمان مسیحی با خوانندگانش صحبت کند ولی تعالیم غلط آنقدر شایع شده بود که او به زور قلم را برداشت تا مقدسین را به پایداری «در آن ایمانی که یکبار به مقدسین سپرده شد» ترغیب کند. یهودا به طور تلویحی سخن نمی‌گوید! او همه چیز را همانگونه که هست بیان می‌کند، نقاب این بدعتکاران بدنام را بر می‌دارد، از طبیعت مثال می‌آورد و از روایت یهودی عهد عتیق (خنوخ) برای به حرکت در آمدن ایمان استفاده می‌کند.

برخلاف زبان خشن این رساله، یهودا شاهکار ساختار گوهرنشان سه تایی (به عنوان مثال، سه شرور در آیه ۱۱) می‌باشد. توضیحاتی که یهودا از ارتداد آورده است واضح و فراموش نشدنی هستند. کلیسا تا ابد برای دعای برکت زیبای یهودا که نامه را به پایان می‌برد مدیون او خواهد بود. رساله او شاید کوتاه باشد، ولی به طور خاص در این روزهایی که ارتداد به سرعت رشد می‌کند بسیار مورد نیاز است.

ب) نویسنده

شواهد خارجی

بر خلاف کوتاه بودن، استفاده از مسائل غیر کانون، و این حقیقت که توسط یکی از رسولان نوشته نشده است (آیه ۱۷)، یهودا شواهد خارجی بیشتر و بهتری از دوم پطرس دارد. هرماس، پولیکارپ و احتمالاً آتناگوراس از این رساله نقل قول کرده‌اند. ترتولیان واضحاً به استفاده یهودا از خنوخ اشاره می‌کند! اوزیبوس یهودا را در میان کتابهای جدلی قرار داد. کانون موراتوری نیز یهودا را به عنوان یک کتاب کانون اصیل شامل شد.

شواهد داخلی

یهودا (به زبان عبری: Yehudah) نامی بسیار معمول و مقبول در قوم یهود بود به طوری که در عهدجدید از هفت یهودا نام برده شده که سه بار تحت عنوان «یهودا، ... برادر یعقوب» معرفی شده و این رساله را نوشته است:

۱. یهودای رسول (نه اسخریوطی که خودکشی کرد). از آنجا که ظاهراً آیه ۱۷ بین نویسنده و رسولان فرق می‌گذارد، و از آنجا که اگر او رسول بود حتماً این جایگاه را عنوان می‌کرد، پس یهودا رسول نمی‌تواند انتخاب درستی باشد.

۲. یهودا، از رهبران کلیسای اولیه که به همراه پولس، برنابا و سیلاس به انطاکیه فرستاده شد (اعمال ۱۵:۲۲). ممکن است این یهودا نویسنده این نامه باشد ولی هیچ شاهی در خود نامه در خصوص این ارتباط وجود ندارد.

۳. یهودا، برادر ناتنی کوچکتر خداوند ما و برادر یعقوب (ر.ک مقدمه رساله یعقوب). او قویترین کاندیدا می‌باشد، که با خداوند عیسی و یعقوب مشارکت داشته است. ما این نظریه را می‌پذیریم.

یهودا مثل برادرش یعقوب، برای بهره برداری از ارتباطش با نجات دهنده بسیار فروتن بود. در آخر، این ارتباط روحانی با خداوند عیسی است که به حساب می‌آید. آیا مسیح نگفت: «زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد، همان برادر و خواهر و مادر من است»؟ (متی ۱۲:۵۰) تعلیم دیگری که او داد این بود که خوشحالت‌تر است آنکه کلام خدا را می‌شنود و آن را حفظ می‌کند تا کسی که خویشاوند او باشد (لوقا ۱۱:۲۷-۲۸). یهودا نیز مثل یعقوب برای خود جایگاه «غلام» را در نظر می‌گیرد. اگر چه هر دو برادر تا پس از زمان رستاخیزشان به برادری آسمانی خود کاملاً اعتقاد ندارند، این روح مناسبی است که در اینجا نشان داده می‌شود. یهودا ازدواج کرده و همسر خود را در سفرهای بشارتی خود همراه می‌برد (اول قرن‌تین ۹:۵). پسران بزرگ یهودا در سال ۹۰ میلادی به حکم مسیحی بودن به محکمه امپراطور دومیتیان برده شدند. امپراطور که دستهای ایشان را دید که سالها به سختی کشاورزی کرده‌اند آنها را به عنوان یهودیانی بی‌خطر آزاد کرد.

ج تاریخ نگارش

چه پطرس از رساله یهودا استفاده کرده باشد و چه یهودا از دوم پطرس (یا هر دو از یک منبع مشترک) جای بحث دارد. شباهتهایی که بین این دو وجود دارد آنقدر زیادند که نمی‌توانند تصادفی باشند. از آنجا که پطرس در رساله دومش می‌نویسد (۱:۲، ۳:۳) که معلیم کذب و مستهزین وجود خواهند داشت، یهودا می‌گوید که چنین مردمانی در خفا آمده‌اند (آیه ۴)، این امر امکان دارد که یهودا نویسنده متأخرتر باشد. زمانی بین ۶۷ تا ۸۰ میلادی به نظر درست می‌آید. از آنجا که یهودا به ویرانی اورشلیم (۷۰ میلادی) اشاره نمی‌کند، می‌توانیم زمانی بین ۶۷ تا ۷۰ میلادی را برای یهودا متصور شویم. این امر همچنین می‌تواند به این معنی باشد که این قضیه سالها پیش اتفاق افتاده است (اگر یهودا در سال ۸۰ یا حتی ۸۵ میلادی این رساله را نوشته باشد - که مستلزم این است که یهودا خیلی عمر کرده باشد). امکن دیگر این است که این واقعه قبلاً اتفاق افتاده ولی انقدر ضربه محکمی به یک مسیحی عبرانی احساساتی زده است که همچنان از آن به عنوان یک مثال استفاده می‌کند.

د) پس زمینه و موضوع

یهودا راجع به ارتداد بحث می‌کند. حتی در روزگار او، کلیسا تحت نفوذ حاکم دست نشانده مذهبی بود، اشخاصی که ادعا می‌کردند خادمین خدا هستند ولی عملاً دشمن صلیب مسیح بودند. هدف یهودا افشا کردن این خائنین و توصیف مجازات نهایی ایشان است. مرتد شخصی است که ادعا می‌کند یک ایماندار حقیقی است ولی در حقیقت هرگز تولد تازه نیافته است. شاید او تعمیم بگیرد و در مزایای ایمانداران یک کلیسای محلی شریک شود ولی پس از مدتی، او تعمداً ایمان مسیحی را ترک کرده و از روی بدخواهی نجات دهنده را منکر می‌شود. او اولوهیت مسیح، عمل رهایی بخش او در جلجتا، قیام جسمانی او، یا دیگر آموزه‌های اساسی ایمان مسیحی را انکار می‌کند.

در مورد شخصی مرتد مسئله‌ی لغزش خوردن مطرح نیست؛ مرتد هرگز تغییرگرایش نداده است. او نمی‌داند که تنها راه نجاتش خداست و به او پشت پا می‌زند. او در بی‌ایمانی به سختی می‌کوشد و با مسیح خدا به سختی مقاومت می‌کند.

ارتداد به سادگی مسئله‌ی انکار نجات دهنده نیست. پطرس این کار را انجام داد. پطرس یک ایماندار حقیقی بود که در اثر فشار بحران کم می‌آورد. ولی او واقعاً خداوند را دوست داشت و این حقیقت را در ایمانش به او با توبه متعاقب آن انکار نشان داد.

یهودای اسخریوطی یک مرتد بود. او ادعا می‌کرد مه یک شاگرد است؛ او با خداوند عیسی برای سه سال و نیم مشارکت داشت. او حتی به عنوان خزانه‌دار خدمت کرد ولی در نهایت شخصیت واقعی خود را با خیانت به خداوند برای سی پاره نقره مکشوف کرد.

ارتداد گناهی است که منتهی به موت می‌باشد، گناهی که ایماندار مسئولیت ندارد برای آن دعا کند (اول یوحنا ۱۶:۵ب). محال است که چنین شخصی را بار دیگر برای توبه تازه سازند، در حالی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می‌کند و او را بی‌حرمت می‌سازد (عبرانیان ۶:۶)، چون برای کسانی که از روی عمد گناه می‌کنند پس از اینکه راستی را شناخته، «دیگر قربانی گناهان باقی نیست بلکه انتظار هولناک عذاب و غیرت آتشی که مخالفان را فرو خواهد برد» (عبرانیان ۱۰:۲۶-۲۷).

تخم ارتداد در کلیسای اولیه کاشته شده بود. پولس به مشایخ افسسیان هشدار می‌دهد که گرگان درنده به میان ایشان خواهند آمد که بر گله ترحم نخواهند نمود، و از میان ایشان نیز مردمان خواهند برخاست که سخنان کج خواهند گفت تا شاگردان را در عقب خود بکشند (اعمال ۲۰:۲۹، ۳۰). یوحنا در رساله خود، از دجالانی سخن می‌گوید که در مشارکت مسیحی بوده ولی آن را ترک کرده‌اند یعنی ایمانشان را ترک گفته‌اند (اول یوحنا ۲:۱۸-۱۹). در دوم تسالونیکیان ۲:۲-۴ ما می‌آموزیم که ارتداد عظیمی در نزدیکی روز خداوند به وقوع خواهد پیوست. ما ترتیب این وقایع را چنین درک می‌کنیم:

اولاً، خداوند از آسمان می‌آید تا کلیسا را به خانه پدر ببرد (یوحنا ۱:۱۴-۳؛ اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۸).

سپس یک ارتداد عظیم و همه گیر از سوی مسیحیان اسمی که باقی مانده‌اند شکل می‌گیرد.

سپس ضد مسیح نخستین مرحله کار عمومی خود را در سطح جهانی آغاز می‌کند.

سپس روز خداوند آغاز می‌شود یعنی هفت سال دوره مصیبت عظیم.

ضد مسیح رئیس مرتدین خواهد بود، او نه فقط با مسیح می‌جنگد بلکه می‌خواهد همه او را به عنوان خدا پرستش کنند.

پطرس، جزئیات ارتداد را معلمین کذبه‌ای را که در روزهای آخر ظاهر خواهند شد به تصویر می‌کشد (دوم پطرس باب ۲). در بعضی از قسمت‌ها توضیحات پطرس با یهودا مشابه بوده و به موازات یکدیگر عنوان شده‌اند. شباهت این دو می‌تواند با مقایسه اینها نشان داده شود:

یهودا	دوم پطرس
آیه ۴	۳-۱:۲
آیه ۷	۶:۲
آیه ۸	۱۰:۲
آیه ۹	۱۱:۲
آیه ۱۰	۱۲:۲
آیه ۱۶	۱۸:۲

ولی عملاً تفاوت‌هایی که بین این دو متن وجود دارند چشمگیرتر از شباهت‌هایشان هستند. یهودا از نوح، طوفان یا لوط چیزی نمی‌گوید. پطرس اشاره به اسرائیلیانی که از مصر نجات یافتند نمی‌کند و از میکائیل، قائن، هارون یا نبوت خنوخ چیزی نمی‌گوید. او مثل یهودا اشاره‌ای به فرشتگانی که گناه کردند نمی‌کند. او از معلمین کذبه‌ای صحبت می‌کند که آقای خود را که ایشان را خرید انکار می‌کنند، در حالی که یهودا استادانه می‌گوید: «مردمان بی‌دین که فیض خدای ما را به مجور تبدیل نموده و عیسی مسیح آقای واحد و خداوند ما را انکار کرده‌اند». اگر چه تفکر به تشابهات بسیار این دو باب خیلی جالب است ولی ما باید بدانیم که روح القدس مسائلی را که مناسب هدف هر یک بوده‌اند برگزیده، و اینکه دو باب آنقدر که در نگاه اول به نظر می‌آید هم مشابه نیستند. آنانی که هر چهار انجیل را خوانده و با افسسیان و کولسیان مقایسه کرده‌اند می‌دانند که روح خدا هرگز لزوماً خودش آن مسائل را تکرار نمی‌کند. اینها مفاهیم روحانی در پس شباهتها و تفاوتها هستند البته اگر ما چشمان خود را باز کرده و آنها را ببینیم.

طرح کلی رساله اول یوحنا

۱. تحیات (آیات ۱-۲)
۲. برداشتن نقاب مرتدین (آیات ۳-۱۶)
۳. نقش ایماندار در میان مرتدین (آیات ۱۷-۲۳)
۴. دعای زیبا (آیات ۲۴-۲۵)

تفسیر

۱. تحیات (آیات ۱-۲)

آیه ۱: خدا از یهودا عادل برای برداشتن نقاب مرتدین مثل یهودای اسخریوطی استفاده کرد. همه چیزی که ما راجع به این یهودی خوب می‌دانیم این است که او غلام عیسی مسیح و برادر یعقوب بوده است. یهودا در مورد مخاطب این نامه از سه اسم استفاده می‌کند که در مورد همه ایمانداران صدق می‌کند. مخاطبین نامه، خواننده‌شدگانی که در خدای حبیب و برای عیسی مسیح محفوظ می‌باشند معرفی شده‌اند. خدا این عده را از جهان بوسیله انجیل خوانده است تا به او تعلق داشته باشند. آنها توسط خدا جدا شده‌اند تا قوم خاص و پاک خدا باشند. ایشان به طور خارق‌العاده از خطر، ضرر، ناپاکی و لعنت تا زمانی که پادشاه را در زیبایی جلالش ببینند محفوظ خواهند بود.

آیه ۲: یهودا برای خوانندگانش دعای رحمت، سلامتی و محبت دارد. تحیت او به ویژه برای کسانی که با حملات دیگران به جهت واژگون کردن ایمان ایشان مواجه هستند مناسب می‌باشد. رحمت یعنی تسلی و مراقبت دلسوزانه از مقدسینی که در زمانهای جنگ و نگرانی از ایشان مراقبت می‌شود. سلامتی یعنی آرامش و اطمینانی که از اعتماد به کلام خدا و از نگاه کردن به شرایطی که شخص با وجود همه شرایط برای رسیدن به مقاصد خداوند دارد. محبت لطف خداست برای قوم عزیزش که البته شایسته آن محبت نیستند، محبتی فوق‌العاده که باید با دیگران تقسیم شود.

او آرزو می‌کند که این سه برکت با هم برایشان افزون شود. نه کمی بیشتر شود بلکه بی‌نهایت افزون باشد.

۲. برداشتن نقاب مرتدین (آیات ۳-۱۶)

آیه ۳: یوحنا اساساً مصد داشت تا راجع به نجات پرشکوهی که بصورت عام به همه ایمانداران عطا شده است بنویسد. ولی روح خدا به این کاتب وقف شده اثر کرده و او احساس می‌کرد که باید موضوع دیگری را مطرح کند. یک مقاله ساده تعلیمی دیگر کارساز نبود؛ او باید درخواستی پرشور مطرح می‌کرد تا خوانندگانش تقویت شوند. آنها باید برای آن ایمانی که یکبار به مقدسین سپرده شد مجاهده کنند. حملاتی بر پیکره حقیقت مقدس ایمان مسیحی صورت گرفته بود و تلاشهایی برای کنار زدن تعالیم اساسی مسیحیت صورت گرفته بود. قوم خدا باید به طور قطعی برای الهامی بودن، مصون از خطا بودن، اقتدار و کمال کلام مقدس خدا بایستند.

ولی در مجاهده برای ایمان، ایماندار باید به عنوان یک مسیحی سخن گفته و عمل کنند. چنانچه پولس می‌نویسد: «اما بنده خدا نباید نزاع کند، بلکه با همه کس ملایم و راغب به تعلیم و صابر در مشقت باشد» (دوم تیموتائوس ۲: ۲۴). او باید بدون ستیزه‌جویی به مجاهده پردازد و بدون خراب کردن شهادتش، شهادت بدهد.

آنچه که ما باید برای آن مجاهده کنیم آن ایمانی است که یک بار به مقدسین سپرده شد. به این امر توجه کنید! نه یک باری بلکه یک بار. بدنه تعلیم کامل است. کتب مقدسه به اتمام رسیده است. هیچ چیزی نمی‌تواند به آن

اضافه شود. اگر جدید باشد صحیح نیست و اگر صحیح باشد نمی‌تواند جدید باشد. وقتی بعضی معلمین ادعا می‌کنند که مکاشفه‌ای برای آنچه در کتاب مقدس یافت می‌شود یافته‌اند، ما آن را رد می‌کنیم. ایمان ما را نجات داده و ما نیازی به رستگاری بیشتر نداریم. این جواب همه رهبران کاذب فرهنگ‌هایی است که کتابهای خود را با اقتدار نوشته‌های کتاب مقدس مساوی قلمداد می‌کنند.

آیه ۴: ماهیت این تهدید در آیه ۴ باز شده است. مشارکت مسیحی بوسیله عناصر توطئه‌گر مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود. بعضی از اشخاص در خفا به درون جماعت وارد شده بودند که از قدیم برای این خصاص مقرر شده بودند. این یک جنبش زیرزمینی برای حيله و نیرنگ بود.

اینها ستون پنجهایی بودند که از قدیم برای این قصاص مقرر شده بودند. به نظر می‌آید که خدا دارد می‌گوید این مردمان را برای قصاص، شخصاً لعنت کرده است. ولی این مفهوم آیه نیست. کتاب مقدس هرگز تعلیم نمی‌دهد که کسانی برای لعنت برگزیده شده‌اند. وقتی شخصی نجات می‌یابد، این از طریق فیض حاکمانه خداست ولی وقتی شخصاً در نهایت هلاکت می‌شود، این بخاطر گناه و ناطاعتی خودش است.

این عبارت تعلیم می‌دهد که قصاص مرتدین از قبل تعیین شده است. اگر انسانها این برگزیدگی که از ایمان مسیحی سقوط کنند، پس قصاص ایشان مثل همان اسرائیلیان بی‌ایمان که در بیابان مردند و فرشتگان سرکش و سدمیان می‌شود. آنها از قبل برای کنار رفتن انتخاب نشده بودند بلکه یکباره انتخاب خودشان مرتد شدند و به طور طبیعی در داوری نهایی برای ارتداد مجازات می‌شوند.

دو ویژگی برجسته این اشخاص بی‌ایمان رفتار فاسد و تعلیم فاسدشان است. آنها با رفتار خود، فیض خدای ما را به فجور تبدیل می‌کنند. آنها آزادی مسیحی را به قوانین محدود می‌کنند و از آزادی خود منحرف شده آن را به فرصتی برای گناه تبدیل می‌کنند. آنها، در تعلیم خود، عیسی مسیح آقای واحد و خداوند ما را انکار کرده‌اند. آنها حاکمیت، اولوویت، مرگ نیابتی، قیام او و در حقیقت، همه آموزه‌های اساسی راجع به شخصیت و کار او را انکار می‌کنند. اگر چه ایشان ادعا آزادی در قلمروی روحانی دارند ولی واضحاً و به طور قطعی با انجیل به مخالفت می‌پردازند و ارزش خون پربهای مسیح را ندیده می‌گیرند و او را به عنوان تنها راه نجات نادیده می‌گیرند.

این مردمان چه کسانی هستند؟ آنها تصور می‌کنند که خادمین انجیل هستند. آنها جایگاه رهبری در مسیحیت را اشغال می‌کنند. بعضی در کلیسا یا شوراهای کلیسایی، اسقف هستند یا پرفسورهای الهیات می‌باشند. ولی همه ایشان در یک نکته با هم شراکت دارند: آنها به ضد مسیح و کتاب مقدس هستند و در واقع برای خودشان و فرقه‌شان عناوینی هم انتخاب کرده‌اند که لیبرال یا نئوآرتودکسی می‌خوانندش. آنها مسیح را بدون جلال، حکمت، سلطنت و قدرت می‌خواهند.

آیه ۵: هیچ سؤالی درباره رفتار خدا با این مرتدین وجود ندارد. او در عهد عتیق بیش از حد لازم در مورد این مسئله سخن گفته است. یهودا حالا می‌خواهد به خوانندگان سه مثال را بیان کند: اسرائیلیان بی‌ایمان، فرشتگانی که گناه کردند و مردم سدوم و غموره.

اولین مثال در مورد اسرائیل در بیابان است: بعد از آنکه خداوند، قوم را از زمین مصر رهایی بخشیده بود، بار دیگر بی‌ایمانان را هلاک فرمود (ر.ک اعداد ۱۳:۱۴؛ اول قرنتیان ۱۰:۵-۱۰). خدا وعده سرزمین کنعان را به قوم داده

بود. در آن وعده هر چیزی که ایشان بدان احتیاج داشتند اشاره شده است. ولی آنها گزارش بد جاسوسان را که بر ضد خداوند برخاسته و از قادش خبر بد آورده بودند شنیدند و پذیرفتند. در نتیجه، همه آن مردمان که بیست ساله و بیشتر بودند بجز کالیب و یوشع در بیابان هلاک شدند (ر.ک عبرانیان ۳: ۱۶-۱۹).

آیه ۶: نمونه دوم ارتداد و سرکشی فرشتگانی هستند که گناه کردند. همه چیزی که ما به طور قطع راجع به ایشان می‌دانیم. نیست که آنها ریاست خود را حفظ نکردند و مسکن حقیقی خود را ترک نمودند و حالا در زنجیرهای ابدی در تحت ظلمت به جهت قصاص روز عظیم نگاه داشته شده‌اند.

از کتاب مقدس اینطور به نظر می‌آید که ایشان حداقل دو نوع ارتداد داشته‌اند. مرتد اول لوسیفر بوده و احتمالاً تعدادی از فرشتگان نیز در اثر ارتداد او مرتد شدند. این فرشتگان سقوط کرده در زمان حاضر بسته نشده‌اند. شیطان و دیوهای او عملاً بر ضد خداوند و قومش در جنگ هستند.

ارتداد دیگر همان ارتدادی است که یهودا و پطرس نیز به آن اشاره می‌کنند (۲دوم پطرس ۲: ۴). تفاوت قابل توجهی در عقاید دانشجویان کتاب مقدس در مورد اینکه کدامیک از وقایع ارتداد در اینجا مد نظر نویسنده (یهودا) بوده است و نه یک ادعای محکم راجع به حقیقت.

ما معتقدیم که یهودا دارد به آنچه در پیدایش ۶: ۱-۷ ثبت شده است اشاره می‌کند. پسران خدا جایگاه مناسب خود را ترک کردند تا به شکل بشری بر زمین بیایند و با دختران آدمیان ازدواج کنند. این اتحاد جسمانی بر خلاف تربیت خدا بود و در نظر خدا کریح می‌بود. در آیه ۴ می‌تواند این نظریه پدید آید که این ازدواجهای غیر طبیعی موجب ایجاد شرارت و قدرت عظیمی در فرزندان آنها شد. چه این درست باشد و چه نه، این واضح است که خدا از این شرارت انسان در این زمان بسیار خشمگین شده بود و تصمیم گرفت که زمین را با طوفان نابود سازد. سه اعتراض در مورد این نظریه وجود دارد: ۱. متن پیدایش فرشتگان را نشان نمی‌دهد بلکه فقط پسران خدا. ۲. فرشتگان دارای قدرت آمیزش جنسی نیستند. ۳. فرشتگان ازدواج نمی‌کنند.

این درست است که فرشتگان به طور مشخص عنوان نشده‌اند ولی این نیز درست است که عنوان پسران خدا در زبان سامی به فرشتگان اشاره می‌کند (ر.ک ایوب ۱: ۶؛ ۲: ۱).

هیچ جمله کتاب مقدس وجود ندارد که بگوید فرشتگان دارای قدرت آمیزش جنسی نباشند. فرشتگان گاهی اوقات در شکل بشری بر زمین ظاهر شده‌اند، و اجزای بدن ایشان مورد شهوت قرار گرفته است (پیدایش ۱۸: ۲۲، ۲۳ را با ۱۹: ۳-۵ مقایسه کنید). کتاب مقدس نمی‌گوید که فرشتگان ازدواج نمی‌کنند بلکه فقط اینکه در آسمان آنها ازدواج نخواهند کرد (متی ۲۲: ۳۰).

هر واقعه تاریخی که در پس آیه ۶ باشد، نکته مهم این است که این فرشتگان مرتبه خود را که خدا بدیشان داده بود ترک کردند و حالا در زنجیرهای ابدی و ظلمت تا زمانی که مجازات نهایی خود را دریافت کنند اسیر خواهند بود.

آیه ۱۷: ارتداد سوم عهد عتیق را که در اینجا عنوان شده است، مردم سدوم و غموره و سایر بلدان نواحر آنها مرتکب شدند (پیدایش ۱۸: ۱-۲۹). کلمه معارفه‌ای همچنین نشان می‌دهد که گناه سدومیان مثل گناه فرشتگان بوده است. این یک فساد اخلاقی وحشیانه بوده و کاملاً بر ضد طبیعت و در واقع مورد تنفر خدا بوده است.

گناه مشخصی انحراف جنسی در رومیان توسط پولس مورد بحث قرار گرفته است: «به نوعی که زنانشان نیز عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است تبدیل نمودند. و همچنین مردان هم استعمال طبیعی زنان را ترک کرده، از شهوت خود با یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال زشت شده، عقوبت شزاوار خود را در خود یافتند» (رومیان ۱: ۲۶-۲۷). مردان سدوم، غموره، ادما و زبویم با همجنس بازی خو گرفته بودند. این گناه در اینجا به عنوان در پی بشر دیگر افتادن، ذکر شده است یعنی چیزی که کاملاً با تربیت طبیعی خدا در تضاد کامل بود. آیا این با مرتدین امروزی که پیشتازان جماعت از همجنس‌بازی هستند و سعی دارند آن را به نوعی شرعی جلوه دهند انطباق ندارد؟

همه آنچه که به شهرهای سدوم و غموره پیش آمد به جهت عبرت ما بود تا عقوبت آتش ابدی را بدانیم. عبارت آتش ابدی نمی‌تواند به معنی این باشد که این آتش همانی بود که آن شعارهای شریر را نابود کرد بلکه این تنها نمونه‌ای بود برای عبرت دیگران از مجازات ابدی وحشتناکی که بر همه سرکشان فرود خواهد آمد. آیه ۸: یهودا به موضوع مرتدین امروزی بر می‌گردد و گناهان ایشان را توصیف کرده و از اتهامات، دست کاری در طبیعت، لعنت و کلمات و اعمال بد ایشان صحبت می‌کند (آیات ۸-۱۶)

اولاً مسئله‌ی گناه ایشان مطرح است. آنها بوسیله خواب دیدن جسد خود را نجس می‌سازند. زندگی فکری ایشان ملوث می‌باشد آنها در دنیا ناپاک ساخته شده در ذهن زندگی می‌کنند و در نهایت تحقق خوابهایشان را در فساد اخلاقی مثل مردمان سدوم می‌بینند. آنها خداوندی را خوار می‌شمارند. آنها بر ضد خدا و موسسات دولتی طغیان می‌کنند. اگر به ایشان بستگی داشت هنجار و بی‌قانونی را برپا می‌نمودند. اسامی ایشان جزو اعضای همیشه معترض است که سعی دارند دولت را واژگون سازند.

آنها بر بزرگان تهمت می‌زنند. این جمله برای آنها هیچ مفهومی ندارد: «زیرا قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است» (روم ۱۳: ۱ب). آنها فرمان آسمانی را ناچیز می‌شمارند: «رئیس قوم خود را لعنت مکن» (خروج ۲۲: ۲۸). آنها از روی تحقیر و ستیزه جویی بر ضد قدرتها سخن می‌گویند، چه آسمانی باشد چه بشری.

آیه ۹: در این مورد با اینکه حتی رئیس ملائکه، میکائیل از آزادی خود استفاده نکرد، ایشان از آن سوء استفاده کردند. وقتی میکائیل با ابلیس در مورد جسد موسی منازعه می‌کرد، به خود اجازه نداد که او را توبیخ کند بلکه تنها گفت: «خداوند تو را توبیخ نماید!» در اینجا یهودا با ما از واقعه‌ای سخن می‌گوید که در هیچ قسمت کتاب مقدس دیده نمی‌شود. این سؤال به طور طبیعی پیش می‌آید که «او از کجا این اطلاعات را کسب کرده است؟»

بعضی می‌گویند که این اطلاعات را از روایات برداشته است. این می‌تواند درست یا غلط باشد. بهترین توضیح، این است که این اطلاعات از طریق فوق‌العاده‌ای به یهودا مکشوف شده است و روح القدس او را برای نوشتن این قسمت‌ها در رساله الهام بخشیده است.

ما اطلاع دقیقی از اینکه چرا منازعه‌ای بین میکائیل و ابلیس در مورد جسد موسی پدید آمده بود نداریم. ما می‌دانیم که خدا موسی را در وادی موآب دفن کرد. قطعاً شیطان نمی‌خواست بداند محل آن کجاست مگر بخواهد در آنجا مقبره‌ای برای وی درست کند. در این صورت، اسرائیل مرتکب بت پرستی می‌شد و استخوانهای موسی را

پرستش می‌کرد. نماینده قوم اسرائیل که میکائیل است ایشان را از بت پرستی بوسیله مخفی نگاه داشتن محل جسد موسی حفظ کرد.

ولی نکته مهم آن است میکائیل که رئیس فرشتگان است و کسی که شیطان و فرشتگانش را بر زمین می‌افکند (مکاشفه ۷:۱۲-۹)، به خود اجازه نمی‌دهد که به یکی از مقامهای آسمانی در قلمروی دیوها یعنی ابلیس ناسزا بگوید. او توبیخ را به خدا واگذار می‌کند.

آیه ۱۰: مرتدین گستاخانه و بی‌پروا در حوزه‌هایی که در آن نادان هم هستند سخن می‌گویند. آنها نمی‌فهمند که در هر جامعه، باید دولتی مقتدر و اشخاصی که از آن اطاعت می‌کنند وجود داشته باشد. و بنابراین آنها در تکبر و گستاخی و سرکشی سلوک می‌کنند.

این گونه اشخاص مرتد مثل حیوان غیر ناطق با انجام اعمال شهوانی خویشتن را فاسد می‌سازند.

آیه ۱۱: وای بر ایشان. اتهام آنها سنگین می‌باشد. به سبب قصوت و دل ناتوبه کار خود، غضب را ذخیره می‌کنی برای خود در روز غضب و ظهور داوری عادلۀ خدا (رومیان ۲:۵). اعمال ایشان در این قسمت توصیف شده است. اولاً، آنها به راه قائن رفته‌اند. آنها در گمراهی بلعام به جهت اجرت غرق شده‌اند. بالاخره ایشان در مشاجرت قورح هلاک گشته‌اند. اشتباه و ارتداد هرگز ساکن نیستند. آنها مردم را به طور سراسیمه به پرتگاه برده و سپس آنها را به پایین پرتاب می‌کنند.

راه قائن اساساً همان رد کردن نجات بوسیله خون یک قربانی بود (پیدا ۴). راه قائن تلاش انسانی بود برای خوشنود کردن خدا. سی. اچ. مکینتاش (C.H. Mackintosh) می‌گوید: «راه علاجی که خدا برای پاکی مهیا کرده است را قائن رد نمود و تلاش انسانی او نتوانست جای آن را بگیرد. این راه قائن بود». ولی البته توکل به سعی و تلاش بشری به تنفر از فیض و مخالفت با آن می‌انجامد. و آن تنفر به جفا و قتل متحی می‌گردد (اول یوحنا ۳:۱۵) گمراهی بلعام آرزوی ثروتمند شدن بوسیله نجات از طریق خدمت به خدا می‌باشد. بلعام ادعا می‌کرد که نبی خداست ولی در عین حال شخصی آزمندی بود و حاضر شد برای پول خود را پست کرده و به جهت هدیه نقدی نبوت کند (اعداد ۲۲-۲۴). پنج بار بالاق به او پول پرداخت کرد تا اسرائیل را لعنت کند و او حتی می‌خواست بیش از اینها هم بگیرد ولی خدا اجازه لعنت کردن اسرائیل را به او نداد. بسیاری از چیزهایی که او در نبوت خود عنوان کرد زیبا و حقیقی بودند ولی برای همه آنها او یک نبی اجیر شده بود. او نمی‌توانست قوم اسرائیل را لعنت کند ولی سرانجام در طمع افتاد و در مورد دختران موآب گناه ورزید (اعداد ۱:۲۵-۵).

معلمین کذب هم مثل بلعام خوش برخورد و قانع کننده هستند. آنها می‌توانند از هر دو جانب از یک دهان سخن گویند. آنها از حقیقت برای بیان مطالب کذب خود سوء استفاده می‌کنند. نکته اساسی این است که آنها طماع بوده و در پی این هستند که خانه خدا را به مغاره دزدان تبدیل تبدیل کنند.

مسیحیت امروزی درگیر مسئله‌ی خرید و فروش مناصب روحانی نیز شده است. اگر انگیزه سود برداشته شود، بسیاری از افرادی که در مناصب روحانی مشغول کار هستند کنار می‌روند. سی. ای. کادس (C.A. Coates) هشدار می‌دهد:

«انسان به قدری پست می‌باشد که از اعمال خدا نیز برای سود شخصی استفاده می‌کند. حد نهایت پستی انسان این است که او برای خود از کار خدا سود حاصل کند. خداوند داوری مشخصی در مورد این گناه دارد. ما می‌توانیم ببینیم که چگونه مسیحیت پر از سودهای شخصی شده است و باید مراقب باشیم که این عنصر در زندگیهای خودمان وجود نداشته باشد.»

دلیل سومی که یهودا برای آوردن «وای بر معلمین کذب» اعلام می‌کند این است که آنها در مشاجرات قورح هلاک گشته‌اند. قورح به همراه داتان و ابیرام بر ضد مقام رهبری موسی و هارون برخاسته و جایگاه کهنات را می‌طلبیدند (اعداد ۱۶). در این امر آنها عملاً به خداوند پشت پا زدند. برای این نافرمانی، آنها با یک زمین لرزه بزرگی، زنده در زمین فرو رفتند. خدا با این مجزات نشان داد که چقدر از مشاجرت بر ضد کسانی که او به عنوان نماینده برگزیده است خشمگین می‌شوند.

آیه ۱۲: سپس یهودا پنج مورد را از طبیعت برای به تصویر کشیدن شخصیت و سرنوشت مرتدین انتخاب می‌کند. موفات (Moffatt) می‌گوید: «اسمان، زمین و دریا برای نمونه آوردن از شخصیت این مردمان مورد کاوش قرار گرفته‌اند.»

آنها در ضیافت‌های محبتانه مسیحیان اولیه که به جهت اجرای مراسم شام خداوند صحبت می‌گرفت، صخره‌ها بودند. آنها نه از خداوند از انسان می‌ترسیدند و به جای اینکه به فکر کله باشند بیشتر به فکر خود بودند. آنها دیگران را به ایمان لکه‌دار خود فریب می‌دادند.

آنها ابرهای بی‌آب از بادها رانده شده بودند که موعظه پوچ انجام داده و بی‌هدف کار می‌کردند. آنها درختان صیفی بی‌میوه هستند، بدون برگ و میوه. دوباره مرده می‌تواند به مفهوم کاملاً مرده باشد، یا می‌تواند به معنی مردن ریشه و شاخه‌ها باشد. همچنین آنها از ریشه کنده شده‌اند چنانچه گویی بادی عظیم بر ایشان ورزیده و هیچ ریشه‌ای از ایشان در زمین باقی نگذاشته تا در آینده حیات و رشد داشته باشند.

آیه ۱۳: آنها مانند امواج خروشان دریا، غیر قابل کنترل، خشن و متلاطم هستند. برای حرکت و صدای آنها هیچ چیزی برای نشان دادن وجود ندارد به جز جوش و خروش کفهایشان. در اصل آنها در آنچه در درون خود دارند فاقد جلال هستند.

بالاخره، آنها ستارگان آواره هستند که برای ایشان تاریکی ظلمت جاودانی مقرر است. ستارگان آواره اجرامی آسمانی هستند که در مدار رسمی خود حرکت نمی‌کنند. آنها به عنوان وسایل کمک ناوبری بی‌استفاده هستند. این توصیف چقدر برای این معلمین کذب مناسب است! غیر ممکن است که از این شهاب سنگ‌هایی مذهبی بتوان راهنمایی روحانی گرفت چون آنها برای یک لحظه در تاریکی می‌درخشند و سپس به درون تاریکی فرو می‌روند.

آیه ۱۴: مجزات مرتدین توسط خون که نفر هفتم از نسل ادم بود پیشگویی شده بود. این یک نبوت است که تنها در رساله یهودا یافت می‌شود. بعضی فکر می‌کنند که این از کتابهای آپوکریفا، مکاشفه خون گرفته شده است ولی هیچ دلیلی برای اثبات وجود چنین کتابی در زمان یهودا وجود ندارد. کلی (Kelly) گفته است:

«خون همه نشانه‌های لازم برای اینکه ثابت شود پس از ویرانی اورشلیم (و از این رو پس از نوشته شدن رساله یهودا) را دارا می‌باشد و می‌تواند فهمید که یک یهودی با نوشتن این کتاب (خون) سعی داشته اظهار کند که خدا برای یهودیان هنوز هم ایستاده است.»

اگر چه ما نمی‌دانیم چگونه یهودا این نبوت قدیمی را آموخته ولی توضیح ساده‌ای در مورد آن وجود دارد که روح‌القدس آن کلمات را درست مثل بقیه کلمات این رساله به وی الهام کرده است.

این نبوت این طور آغاز می‌شود: «اینک خداوند با هزاران هزار از مقدسین خود آمد». این پیشگویی در زمان آمدن خداوند عیسی به زمین پس از دوره مصیبت عظیم و پای انداز شدن دشمنان وی به وقوع خواهد پیوست و او به عنوان پادشاه سلطنت خواهد کرد. این نبوت تحقق کامل خود را در پایان سلطنت هزار ساله و وقتی دجال در مقابل تخت سفید داوری مسیح محکوم و مجازات شود خواهد یافت.

آیه ۱۵: مسیح می‌آید تا بر همه داوری نماید. بقیه آیه نشان می‌دهد که همه به معنی همه بی‌دینان است. ایمانداران حقیقی هرگز شامل این داوری نمی‌شوند. از طریق ایمان به مسیح، آنها تا ابد از داوری مصون هستند چنانچه در یوحنا ۵:۲۴ وعده داده شده: «آمین آمین به شما می‌گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید، بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است». چون همه داوری به پسر انسان سپرده شده است، خداوند عیسی نیز جمیع بی‌دینان را ملزم می‌سازد، بر همه کارهای بی‌دینی که ایشان کردند و بر تمامی سخنان زشت که گناهکاران بی‌دین به خلاف او گفتند. چهار بار در این آیه ما کلمه بی‌دینی را می‌یابیم. مردم بی‌دین، کارهای بی‌دینی؛ طریق بی‌دینی، و سخنان بی‌دینی که همان کفر به خداوند عیسی مسیح می‌باشد. او همه ایشان را بخاطر اعمال بی‌دینی‌شان ملزم ساخته و نه فقط در این مفهوم که آنها عمیقاً گناهکار بودندشان را تشخیص دهند بلکه آنها را به سزای اعمالشان خواهد رسانید.

آیه ۱۶: سخنان و کارهای بی‌دینی ایشان در اینجا با جزئیات بیشتری توصیف شده است. آنها همه‌کنندگان هستند که بجای شکرگزاری از رحمت‌های خدا بر علیه مشیت الهی او گله و شکایت به راه می‌اندازند. این حقیقت که که خدا از چنین گله و شکایت‌هایی متنفر است در داوری اسرائیل در بیان مشاهده می‌شود.

آنها همیشه با خداوند مشکل بر می‌خورند. او چرا اجازه جنگ و رنج را می‌دهد؟ چرا او بر همه ناعدالتیهای اجتماع پایان نمی‌دهد؟ او قادر مطلق است، پس چرا او راجع به فساد دنیا کاری انجام نمی‌دهد؟ آنها همچنین با قوم خدا هم به مشکل برخوردند.

آنها در شهوات و به طور خاص حوزه شهوت جنسی ضعیف بوده و در فساد اخلاقی زندگی می‌کنند. سخنان زشت ایشان نشان دهنده جلب توجه واقعی است. آنها بوسیله انجام اعمال عجیب برای جلب توجه کادرهای روزنامه‌ها را پر می‌کنند. و جملات بی‌شرمانه آنها به تعالیم اساسی مسیحیت مثل لین ادعا که خدا مرده است آنها را به عنوان الهدانان لیبرال انگشت نما کرده است.

بالاخره آنها صورتهای مردم را به جهت سود می‌پسندند و راحتی خود را طالب می‌باشند. این تصویر، حقیقی و صحیح است. این امر توسط رسانه‌های خبری جهان هر روزه تصدیق می‌شود.

۳. نقش ایماندار در میان مرتدین (آیات ۱۷-۲۳)

آیه ۱۷: حالا یهودا از مسئله مرتدین گذشته و به نقش ایماندار در میان این شبانان مزدور می‌پردازد. اول او بدیشان یادآوری می‌کند که خطراتی در انتظارشان است. سپس ایشان را تشویق می‌کند تا خود را به وضعیت قوی روحانی برسانند. بالاخره، او بدیشان مشورت می‌دهد تا در خدمت به کسانی که بوسیله مرتدین قربانی شده‌اند تمیز دهند.

رسولان پیشگویی برخاستن معلمین کذبه را نموده بودند. این امر در خدمت پولس (اعمال ۲۹:۲۰، ۳۰؛ اول تیموتائوس ۴: ۱-۵؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱-۹) و همچنین در خدمات پطرس (دوم پطرس ۲: ۱-۲۲؛ ۳: ۱-۴)؛ و یوحنا نیز (اول یوحنا ۲: ۱۸، ۱۹) دیده می‌شود. آیات ۱۸ و ۱۹ جان کلام ایشان این بود که در ایام آخر مستهزئین خواهند آمد که بر حسب شہوات بی‌دینی خود رفتار خواهند کرد.

یهودا حالا به شهادت اضافه می‌کند که این مستهزئین سه مشخصه برجسته دارند. ایشان اشخاص شہوانی هستند یعنی مثل مردمان عادی فکر و عمل می‌کنند. ایشان اشخاصی تفرقه افکن هستند و شاگردان را به جان یکدیگر می‌اندازند و مردم را بر طبق ارتدادشان به گروهی مختلف تقسیم می‌کنند. آنها روح ندارند. آنها هرگز از بالا متولد نشده‌اند و از این رو برای درک مسائل الهی واجد صلاحیت نمی‌باشند.

آیه ۲۰: البته کاردانی ایماندار در این است که او نزدیک به خداوند بماند و در مشارکت با او زندگی کند. ولی این چگونه انجام می‌شود؟ یهودا چهار مرحله در اینجا بیان می‌کند. در اولی می‌گوید که ایماندار باید خود را به ایمان مقدس خود بنا کند یعنی در ایمان مسیحی. ما خود را در ایمانمان بوسیله مطالعه کلام و اطاعت از آن بنا می‌کنیم. آشنا شدن دائم با کلام ما را به راه عدالت هدایت نموده و بر ضد خطرات هشدار می‌دهد. «انسانها می‌توانند تعلیم را خوار سازند ولی ایمان است که شخصیت را می‌سازد و نه شخصیت ایمان را.» — اچ. پیکرینگ (H. Pickering).

درومین مرحله این است که ایماندار باید در روح‌القدس عبادت نمایند. این یعنی آنها در روح چنانچه هدایت می‌شوند دعا کنند یعنی بر طبق اراده خدا که در کتاب مقدس مکشوف شده یا چنانچه بوسیله روح به ایماندار نشان داده می‌شود. این در تضاد با دعاهایی است که به طور مکانیکی از بر خوانده می‌شوند یا بدون مفهوم روحانی به درازا می‌انجامد.

آیه ۲۱: پس ایماندار باید خود را در محبت خدا محفوظ نگاه دارد. در اینجا محبت خدا می‌تواند با تابش خورشید مقایسه شود. خورشید همیشه می‌درخشد. ولی وقتی چیزی بین ما و خورشید قرار گیرد، دیگر تابش آن به ما نمی‌رسد. محبت خدا هم همینطور است. این محبت همیشه بر ما می‌درخشد ولی اگر گناه بین ما و خداوند قرار گیرد، دیگر از محبت او در عمل لذتی نمی‌بریم. ما می‌توانیم خویشتن را در محبت اول به وسیله زندگی مقدس و دیندارانه حفظ کنیم. و اگر گناه به میان آید، پس فوراً آنرا اعتراف کرده و ترک می‌کنیم. سر این است که اجازه ندهیم که گناهی بین ما و خدا قرار گیرد.

«گناهی بین من و نجات دهنده نیست، هیچ رویایی فریبنده‌ای از این دنیا وجود ندارد؛ هیچ مانعی بر سر راه لطف او نیست، راه را تمیز می‌گذارم و اجازه نمی‌دهیم که چیزی بین من و او قرار گیرد.» - چارلز ای. تیندلی»
(Charles A. Tindley) —

بالاخره ما باید مشتاقانه منتظر رحمت خداوندمان عیسی مسیح برای حیات جاودان باشیم. رحمت خداوند ما در اینجا به بازگشت قزیب‌الوقوع او برای بردن قومش به آسمان اشاره می‌کند. در روزهای تاریک ارتداد، ما باید نور امید زنده را در لها روشن نگاه داریم. این یک امید تسل بخش و پاک است (اول تسالونیکیان ۴:۱۸؛ اول یوحنا ۳:۳).

آیه ۲۲: در مورد قربانیان ارتداد یک سری ادراکهای روحانی لازم است. کتاب مقدس بین طریقی که ما باید بر طبق آن با بی‌دینان فعال فرهنگهای کذب رفتار کنیم و طریقی که باید با کسانی که ساده لوحانه فریب ایشان را می‌خورند تمایز قائل می‌شوند. در مورد رهبران و مبلغین کذب، این خط مش در دروم یوحنا ۱۰ و ۱۱ آمده است: «اگر کسی به نزد شما آید و این تعلیم را نیاورد، او را به خانه خود پذیرید و او را تحیت مگویید، زیرا هر که او را تحیت گوید، در کارهای قبیحش شریک گردد». ولی در مورد کسانی که توسط معلمین کذب فریفته می‌شوند، یهودا می‌گوید که با ایشان به دو صورت رفتار کنید.

در مورد بعضی باید رحیم باشیم. یعنی به ایشان توجه کنیم و سعی نماییم ایشان را شک و بحث و جدال به سوی استواری در حقیقت آسمانی ملزم سازیم.

آیه ۲۳: کسانی نیز هستند که بر روی پرتگاه بوده و مشرفه افتادن در میان شعله‌های ارتداد هستند. اینها را باید بوسیله هشدارها و فرامین محکم و جدی و حتی با خوف و نفرت از لباس جسم آلود نجات داد. در عهدعتیق لباس آلوده به جذام باید سوزانده می‌شد (لاویان ۱۳:۴۷-۵۲). امروزه ما باید در رفتار کردن با مردمی که درگیر گناهان جنسی هستند، به یاد داشته باشیم که این اعمال گناه آلود مثل لباسهایی هستند که اغلب باعث تحیک شهوات می‌شود. اگر ما با این چیزهای گناه آلود امروزی سرگرم شویم با گناهان آنها هم کنار می‌آیمو پس در رفتار کردن با مردمی که فاسد شده‌اند باید مراقب باشیم که چیزی گناه آلود از زندگهای ایشان بر زندگهای ما وارد نشود. نویسنده ناشناسی این طور نوشته است:

«لباسهایی که متعلق به یک انسان گناهکار است، بدی را سرایت می‌دهند. هر چه که در ارتباط با یک زندگی گناه آلود باشد باید بیرون انداخته شود، اگر ما می‌خوانیم از سرایت کردن بیماری جان‌گداز و مخرب گناه مُسری در امان بمانیم.»

جی. بی. مایور (J. B. Mayor) هشدار می‌دهد: «اگر چه این وظیفه مسیحیان است که رحمت داشته و برای گناهکاران دعا کنند، ولی نباید تنفرش از گناه را کنا بگذارد.»

۴. دعای زیبا (آیات ۲۴ و ۲۵)

آیه ۲۴: یهودا با دعای زیبایی خاتمه می‌دهد. این دعا یک توصیف پرستش و ستایش کسی می‌باشد که قادر است تا نجات دهد (عبر ۷:۲۵)، استوار سازد (۱۶:۲۴)، کمک کند (عبرانیان ۲:۱۸)، مطیع گرداند (فیلیپیان ۳:۲۱)، و در

اینجا او قادر است تا ما را محفوظ دارد. او قادر است تا ما را در صلح کامل محفوظ دارد (اشعیا ۳:۲۶)، او قادر است. امانت ما را تا به آن روز حفظ کند (دوم تیموتائوس ۱:۱۲)، او قادر است بی‌نهایت کار کند زیادتر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم (افسیان ۳:۲۰)، و او قادر است تا ما را از لغزش محفوظ دارد. این وعده آخری به طور خاص برای روزهای ارتداد که یهودا بدانها اشاره می‌کند مناسب است.

ولی این وعده به همینجا ختم نمی‌شود: او قادر است تا ما را در حضور جلال خود بی‌عیب به فرحی عظیم قایم فرماید. این واقعاً شگفت‌آور است! وقتی ما فکر می‌کنیم به اینکه در گذشته چه کسانی بودیم؛ مرده از طریق تجاوزات و گناهانمان؛ وقتی ما که فکر می‌کنیم چه هستیم، خادمین ضعیف، فقیر، شکست خورده؛ و وقتی فکر می‌کنیم که کاملاً روزی بی‌عیب در مقابل تخت داوری جهان در حال شادی عظیم؛ چه فیض عجیبی!

آیه ۲۵: او تنها حافظ و کامل کننده ما نیست، او خدا و نجات دهنده است. این بسیار شگفت‌آور است که خدا تا این حد به ما علاقه داشته باشد که نجات دهنده ما بشود در این مفهوم که او نقشه نجات ما را با فرستادن پسرش که بی‌گناه بود به عنوان بره قربانی به انجام رسانید. و تنها خدا حکیم است: تمامی حکمت از سوی خداست (یعقوب ۱:۵). حکمت ما قطره ناچیزی است از سرچشمه حکمت، خدای واحد حکیم.

اگر پرستش به معنای ستایش خدایی است که شایسته ستایش می‌باشد، او شایسته جلال، عظمت و توانایی و قدرت نیز هست. جلال، احترام فوق‌العاده‌ای که او بخاطر وجود خودش و کاری که انجام داده لایقش می‌باشد. عظمت، شکوه و مقامی که او بخاطر آن بر جهان حاکمانه سلطنت می‌کند. توانایی، حکومتی بی‌زوال که حق ابدی اوست و قدرت با اقتدار، امتیاز خاصی که او برای حکومت بر همهٔ دستان‌ها که خودش ساخته دارا می‌باشد.

او شایسته چنین پرستشی در گذشته، حال و آینده است. مرتدین و معلمین کذب در پی ربودن جلال او، کاستن از عظمت وی، گله کردن بر ضد توانایی او و به چالش در آوردن قدرت او هستند. ولی همهٔ ایمانداران حقیقی تحقق عظیم جلال یافتن و شادی و وجد خود را در او از الان و تا ابدالابد می‌یابند.

آمین.